



حمید سیزوری (شاعر) - حسین ابروی (نویسنده) - ابوالفضل عالی (گرافیست) - شهید رسول کاتپ‌نژاد (عالمی) - صفارزاده (نویسنده) - شهیداحمد زارعی (شاعر) - مهرداد اوستا(شاعر) - نصرالله مردانی (شاعر) - سیددین خانیانیر (گرافیست) - حبیب‌الله معلمی (شاعر) - علیرضاقره(شاعر) - محمدعلی‌گودینی (نویسنده) - علی محمدمدوب(شاعر) - مرحوم شهریار(شاعر) - محمدمندی سیار (شاعر) - سیمین‌دخت وحیدی (شاعر) - علویان(نویسنده و تصویرگر)

شعر رضوی، شش‌جره طیب‌ها است که ریشه در حقایق و معارف ناب اسلامی و قرآنی دارد و از چشمه فیاض «حقیقت» و «هویت» آب می‌خورد. شش‌عاران رضوی نیز سینه خود را کنش‌تر از محبت و معرفت آل الله (علیهم السلام) قرار داده‌اند و همواره در طول تاریخ رسالتی پیامبر گونه برای خود قابل بوده‌اند. رسالت این شاعران: بیان حقایق و معارف دینی، مبارزه با مظاهر کفر و شرک و نفاق، افشای مظالم و مفاسد حکومت‌های غاصب و نامشروع، به تصویر کشیدن مظلومیت خاندان رسالت و ذکر مصایب آنان، مدح و منقبت بزرگان دینی، و در یک کلام **«بیدار گوی»** بوده است.

اگر دواویم شاعران مسلمان پارسی زبان را مرور کنیم، خواهیم دید که از زمان شکل گیری ادبیات فارسی تا به امروز، اکثر شش‌عاران مسلمان با افتخار شعری رابه ساخت ملکوتی امام هشتم، حضرت علی بن موسی الرضا(ع) تقدیم کرده‌اند.

پیشینه شعر رضوی

در مورد پیشینه شعر رضوی در ادبیات عرب، باید به نام «دعبل خزاعی» به عنوان اولین شاعر رضوی اشاره کرد. شاعری که همنفس و همنشین چهار امام معصوم بوده است. شهرت دعبل اما بیشتر به خاطر قصیده حماسی، با صلابت و فاخری ست که در مدح و منقبت الی‌علی(ع) و امام رضاع) سروده است. قصیده‌ای که بعد از قرانت، مورد ستایش آن حضرت قرار گرفت و بابت سرودن آن به دعبل صله‌ای شایسته بخشد.

قله‌های شعر و ادب پارسی نیز به خاطر محبت و معرفتی که نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت(ع) داشته‌اند، همواره بیان فضایل خاندان رسالت را افتخاری بزرگ برای خود می‌دانسته و بر این اعتقاد و باور بوده‌اند که: «مداح خورشید، مداح خود است». اما در حوزه شعر و ادب پارسی، باید گفت که مناقشه تا زمان تیموریان و پیش از صفویه شعر آیینی از درخشش چندانی برخوردار نیست. در عصر صفویان آنست که با رسمیت یافتن مذهب تشیع، شعر آیینی - بخصوص شعر رضوی - قد می‌کشد و به بلوغ و پالندگی می‌رسد. این اشعار مباحث ثبت شده هستند که می‌توان به دو گونه آنها را بررسی کرد. در بخشی از آنها، شاعران با نام بردن از حضرت علی‌بن موسی الرضا(ع) به ساخت ملکوتی حضرت عرض ارادت می‌کنند. بخش دیگری از شاعران نیز در سروده‌های خود به بیان فضایل رضوی، سجایای اخلاقی، کرامت‌های الهی و انسانی عالم آل محمد(ص) پرداخته‌اند.

از خیل شاعران متقدمی که زبان به مدح و منقبت شمس خراسان گشوده‌ اند، نام شاعرانی چون: سنایی غزنوی، خاقانی، ابن یسین، ابن حسام، جامی، بابا فغان شیرازی، طالب آملی و وصال شیرازی از برجستگی بیشتری برخوردار است.

«سنایی» که یکی از قله‌های شعر و ادب پارسی در قرن ششم است، قصیده فاخر و استواری در مدح امام رضاع) دارد که ابیاتی از آن را با هم زمزمه می‌کنیم:

دین را حرمی ست در خراسان
دشوار تو را به محشر آسان
از معجزه های شرع احمد
از حجت های دین یزدان
همواره رهش مسیر حاجت
پیوسته در ش مسیر غفران
بی نام رضا، همیشه بی‌نام
بی‌شان رضا، همیشه بی‌شان

«شب شاعر» برای همسر، مادر و شاعر انقلاب

حداد عادل: «سیمین دخت وحیدی» ۴۰سال پا به پای انقلاب بوده‌است



سی و هشتمین شب شاعر ویژه پاسداشت سیمین‌دخت وحیدی عصر روز سه‌شنبه سوم مرداد، در سازمان هنری رسانه‌ای اوج برگزار شد. **سیمین‌دخت وحیدی برای شعرا مادری کرده** است. غلامعلی حدادعادل رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی در این مراسم با اشاره به اینکه پس از ناخبر نشدن از برگزاری این مراسم دعوت برگزار کنندگان را پذیرفتم زیرا باید به پاس یک عمر فعالیت خانم وحیدی به او ادای احترام می‌کردم، گفت: ما و بنده خاطره خوب و شیرینی از خانم وحیدی داریم که آن هم مربوط به حضور ایشان در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب است. وی افزود، هنر، جنسیت نمی‌شناسد و در هر هنری مردان و زنان هنرمند موفق بوده‌اند ولی هنر زنانه خودش را نشان می‌دهد، خصوصیت زنانگی و زن بودن در هنر جلوه می‌کند، زیرا هنر از عمق جان هنرمند برمی‌خیزد. شعر زنان دارای ظرافت‌ها، لطافت‌ها و ریزه کاری‌هاییست که به مادر بودن و زن بودن هنرمند زن مربوط است که در اشعار مردان کمتر به چشم می‌آید.

پروین اعتصامی افتخار زنان شاعر جهان است

رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی گفت: در زبان فارسی هم از دیرباز بانوان شاعر فعال بوده‌اند که در عصر ما نیز این حضور به چشم می‌آید. پروین اعتصامی برجسته‌شاعران زن عصر ما محسوب می‌شود. او نه تنها افتخار زنان در شعر فارسی بلکه افتخار زنان در شعر جهان است. او اضافه کرد: در سال‌های انقلاب در حوزه فرهنگ و هنر دست و بال ما بسته بود و من سه روز پس از پیروزی انقلاب به سدا و سیما رفتم تا در برنامه‌های رادیویی مشارکت کنم. آنجا بود که فهمیدم رادیو چقدر اشتها دارد زیرا ما هر قدر می‌نوشتیم باز هم مطلب نیاز بود. مرحوم اوستا، مرحوم سیزوری، مرحوم شاعرخی، مرحوم مشفق کاشانی و در بین بانوان مرحوم سپیده کاشانی و سیمین‌دخت وحیدی در این عرصه مدرسان ما بودند و در آن سال‌های سخت در ابتدای امر قدر این شعرا را درک می‌کردید.

حداد عادل با اشاره به شخصیت سیمین‌دخت وحیدی گفت: وحیدی در همه این ۴۰ سال پا به پای انقلاب بوده و بدون توقف از انقلاب در میدان بوده است. خامنی‌متدین، منتهید و برخاسته از یک خانواده فرهیخته در خدمت انقلاب بود و همچنان در همان صراط استوار مانده است. با خلق خوش بانوان جوان شعر جذب می‌کرد و به تعبیری برایشان در شعر مادری کرده است.

وحیدی برای انقلاب شعر گفته است

علی محمد بشارتی، شاعر در این مراسم گفت: خانم وحیدی از خانواده‌ای اصیل از شهر چهرم است؛ شهری که هیچ وقت شاه پهلوی

ای کین تو کفر و مه‌رت ایمان
پیدا به تو کافراز مسلمان

در دامن مهر تو زدم دست
تا کفر نکیر دم گز بیان ...
«خاقانی» نیز که نامی بلند در شعر و ادب پارسی دارد، از دیگر شاعرانی ست که در منقبت امام‌رضاع) دو قصیده سروده است. وی در یکی از این قصیده‌ها اشتیاق خود برای زیارت امام هشتم را این چنین به تصویر کشیده است:
چه سبب سوی خراسان شدم نگذارند
عدلیم، به گلستان شدنم نگذارند
نیست بستان خراسان را چون من مرخی
مرغم، اوج! سوی بستان شدنم نگذارند
روضه پاک رضا دین آفر طغیان است
شاید ا بر ره طغیان شدنم نگذارند...
«جامی» که او را خاتم الشعرای شعر پارسی نامیده‌اند، با شعری به ساحت مقدس آن امام همام این چنین عرض ادب و ارادت کرده است:

سلامّ علی آل طه و یاسین
سلامّ علی آل خُبر النبیّین
سلامّ علی روضهٔ حلّ فیها
امامّ یثاُهی به المَلِکْ والذّین ...

شعر رضوی بعد از انقلاب

کارنامه شعر رضوی بعد از انقلاب نیز کارنامه قابل تامل و پرباری است. در این میان شاعرانی چون طاهره صفارزاده، موسوی گرمارودی، و قیصر امین‌پور کسوت پیشتازی و پیشکسوتی دارند و در زمره شاعرانی هستند که در حوزه شعر رضوی دست به خلق و آفرینش آثاری فاخر و ماندگار زده‌اند.

موسوی گرمارودی منظومه رضوی خود را با ادب و ارادتی قابل ستایش می‌آغازد:

درد بر تو
ای هشتمین سپیده
اگر از سایه ساران درد می‌پذیری
و با سطرهای آمیخته با معرفت و بصیرت شعبی، به زیبایی به پایان می‌برد:
تاریخ چون به تو می‌رسد
طواف می‌کند
عرفان در ایستگاه حرّمت
پیاده می‌شود

و کلمه
چون به تو می‌رسد
به درباری در گاهت
به بناداری می‌ایستد!
شعر من نیز
که هزار سال راه پیومده
هنوز
بیرون بارگاه تو مانده است.



شاعران رضوی و رسالت بیدارگری

- رضا اسماعیلی**

(موسوی گرمارودی، علی، گوشواره عرش، تهران، سوره مهر، چاپ سوم، ۱۳۸۸، سپیده هشتم، صص ۲۵۷ تا ۲۶۱).
گذشتی ای که افواج طوفان است
تو را می‌شناسند
سوی توخید مشروط بر بودن توست
ای که آیات قرآن تو را می‌شناسند
گر چه روی از همه خدای پوشیده داری
ای، بیدای پنهان! تو را می‌شناسند
اینک‌ای خوب!ا فصل غربیبه سر آمد
چون تمام غربیان تو را می‌شناسند
کاش من هم عبور تو را دیده بودم
کوچه‌های خراسان تو را می‌شناسند

.....
طیّب این همه بیمار
گره گشای این همه مشکل
هرگز غریب نیست
که در دیار خودیم
و در محاصره محرمان بیگانه...



(صفارزاده، طاهره، دیدار صبح، تهران، پارس کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۴، زیارت‌نامه، صص۱۵۳ تا ۱۵۷).

«قیصر امین پور» نیز که از طلایه داران و نام آوران شعر انقلاب اسلامی است، با غزل معروف زیر نام خود را در شمار معرفت آموزان مکتب انسان‌ساز عالم آل محمد(ص) تا همیشه به ثبت رسانده است:
چشمه‌های خروشان تو را می‌شناسند

موج‌های پریشان تو را می‌شناسند
پرسش تشنگی را تو آبی جوابی
ریگ‌های بیابان تو را می‌شناسند
نام تو رخصت رویش است و طراوت
زین سبب برگ و باران تو را می‌شناسند

هم تو گل‌های این‌باغ را می‌شناسی
هم تمام شهیدان تو را می‌شناسند
از نشابور با موجی از «لا» گذشتی
ای که افواج طوفان است تو را می‌شناسند
سوی توخید مشروط بر بودن توست
ای که آیات قرآن تو را می‌شناسند
گر چه روی از همه خدای پوشیده داری
ای، بیدای پنهان! تو را می‌شناسند
اینک‌ای خوب!ا فصل غربیبه سر آمد
چون تمام غربیان تو را می‌شناسند
کاش من هم عبور تو را دیده بودم
کوچه‌های خراسان تو را می‌شناسند
وصف حال و حدیث ارادتمندی
«سید محمد جواد شرافت» از شاعران جوان انقلاب نیز با حضرت شنیدنی ست:
نه دعبلم، نه فرزندق، که شاعرت باشم
که شاعرت شده، مقبول خاطرت باشم ...

همیشه سفره مهمان نوآزی‌ات باز است

اجازه می‌ده‌ام! گاه زائرت باشم؟

*کارنامه شعر رضوی بعد از انقلاب نیز کارنامه قابل تامل و پرباری است. در این میان شاعرانی چون طاهره صفارزاده، موسوی گرمارودی، و قیصر امین‌پور کسوت پیشتازی و پیشکسوتی دارند.

اما نکته‌ای که در حوزه شعر رضوی مغفل و مانده این است که بیشتر اشعار رضوی لهجه‌ای توصیفی دارند و در حوزه مدح و منقبت(صورت) سروده شده‌اند، اما در حوزه سیره عملی و بیان مضمون روایت‌های رضوی کمتر کار شده است. به عبارت دیگر بیشتر شعرها توصیفی - عاطفی است. یعنی در حوزه بیان شاعرانه متن احادیث و روایات و سیره عملی بزرگان دینی فقیر هستیم و دستمان خالی است.
در شعر آیینی ضروری است که از منزل «محبت» عبور کنیم و به منزل «معرفت» برسیم. یعنی گذر از برونه دین و رسیدن به درونه آن.

شما هم توبه کنید با شما هم عکس خواهید گرفت!

از روزی که جشن یک سالگی «فارس پلاس» برگزار شد و در آن مراسم برخی از چهره‌های شاخص ولایتمدار و حزب الهی با تقدیرشدگان این مراسم از جمله آقای موصولو «تتلو» عکس گرفتند؛ جماعتی از به اصطلاح اصلاح‌طلبان به شیوه مألوف خود زبان به فحاشی گشودند و طبق عادت گذشته انواع توهین و تحقیرها را نثار کسانی کردند که مخالف و منتقد تفکراتشان هستند، اما چرا؟

آیا اینکه فردی از گذشته و تفکرانی که به راه صواب نبوده توبه کرده برای آنها غیرقابل قبول و شاید غیرقابل تحمل است؟ «یا آنها الذّین امنوا توبوا الی‌الله توبه نصوحا» (آیه هشتم سوره تحریم)
آیا آنها متعقدند مومنان پس از اعلام برائت یک فرد خطاکار از گذشته خود، نباید توبه و بازگشت او را بپذیرند؟ «فان تاوبا و اقاموا الصلوة و اتوا الزّکوة فإخوانکم فی الذّین» (آیه یازدهم سوره توبه) و با اینکه اصلا مسئله چیز دیگری است و این جماعت از اینکه ولایتمداران به اصول اعتقادی قرآن و مکتب تشیع پایبند هستند، ناراحتند؟
پاسخ این سؤال آخر البته یکدیک بسیاری از گره هاست...

یکی از مسائلی که باعث زاویه شدید اعتقادی میان مومنان و ولایتمداران با جماعت منورالفکر دیروزی و امروزی-از ملکم خان تا سروش- می‌شود؛ اعتقاد این به اصطلاح روشنفکران بر ارکان لیبرالیسم است. ارکانی چون اعتقاد به اومانیتسم (انسان محوری به جای خدا محوری)، بنیه اعتقادی که قطعا دیدگاهی شرک آمیز و انحرافی است. « إِنَّ الشِّرْكََ کَظَمٌ عَظِیمٌ» (آیه سیزدهم سوره لقمان) همچنین اعتقاد این جماعت به اینکه در عصر مدرنیته دیگر لازم نیست علما و مراجع تقلید شیوه سیاست‌ورزی در بخش بین‌الملل، نحوه مدیریت اقتصادی کشور و نحوه بانکداری و معاملات و عقود، سیاست‌ورزی در بخش فرهنگ و... را براساس قرآن و کلام آل الله (صوات الله علیهم اجمعین) معین و مشخص کنند.دیدگاهی که همان تکذیب فرمان خدا، رسول خدا و اولی‌الامر است. «طبعوالله و اطمینوا الرسول و اولی‌الامر» (آیه پنجاه و نهم سوره نساء) زیرا شیعه می‌داند که در زمان غیبت برای همه مسائل و امور فردی و اجتماعی و حکومتی باید و باید به عالمان حدیث و فقهای آگاه زمان خود مراجعه کند. و کلاما هم واضح است که در برابر شیعه‌ای که مسلمات اندیشه و فقه جعفری را منکر می‌شود تنها می‌توان گفت «لَعْنَتُ اللهِ عَلَی الْکاذِبِینَ» (آیه شصت و یکم سوره آل عمران)

و از آنجا که هر مسلمانی شک ندارد که باید از شرک که ظلم بزرگی است و از دروغ به در گاه خدا توبه و استغفار کرد... پس حالا دوباره میتوان به چرانی حدیثی این جماعت به گرمای داشتن یک فرد توبه کار و بازگشته به دامن دین و توحید فکر کرد. آیا با در نظر گرفتن اصول بالای مبنیان جز این نتیجه گرفت که این به اصطلاح روشنفکران از اصل پایبندی به اندیشه ناب محمدی(ص) عصبانی و ناراحت هستند؟ از اینکه ولایتمداران این سرزمین ذرهای از اصول خود کوتاه نمی‌آیند و رسواکننده مشرکان و ظالمان و مستکبران و معوله‌های داخلی آنها هستند؟

البته همیشه راه توبه باز است...

راهی که همه، حتی همین به اصطلاح روشنفکران هم می‌توانند به آن رجوع کنند. برای همین ما امیدواریم جماعتی که به نثار کردن انواع توهین‌ها و تهمت‌ها به حزب‌اللهی‌ها مشغولند، روزی مانند انسانی چون

صفحه ۷

یکشنبه ۸ مرداد ۱۳۹۶

۶ ذیحجه ۱۴۳۸ – شماره ۲۱۶۸۳



امروز یکی از بزرگترین آفاتی که در جان ادبیات دینی و آئینی ما رخنه کرده است، «افت «مناسبتی سردون و سطی نگری» است. بخش اعظم شعر آیینی روزگار ما به «فقر اندیشه» مبتلا است و لهجه‌ای صرفا احساسی و توصیفی دارد.

با کمال تأسف باید اعتراف کرد که ما در این حوزه از پرداختن به سیره عملی خاندان رسالت و حقیقت زلال دین - بخصوص اصل توحید - غافل مانده ایم .

با توجه به مقتضیات زمانه و نیاز جامعه به درک عمیق‌تر و اصیل‌تر از دین و برای این که شعر آیینی ما از چپره تکرار و تقلید بیرون بیاید و جانی دوباره بگیرد، زمان آن رسیده است که با بهره گیری از منابع اصیل دینی همچون قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادهیه و ... در حوزه شعر آیینی از منزل صورت (مدح و منقبت) به منزل سیرت (معارف و حقایق دینی) عبور کنیم. چنان که مقام معظم رهبری نیز در دیداری که در سال ۹۲ با شاعران داشتند با تاکید بر همین نکته فرمودند: «نکته بعد این است که مناجات هم جزو شعر آیینی است.

شعر آیینی فقط مسئله مدح و مرثیه نیست؛ مناجات هم جزو شعر آیینی است. برای این که مضمون مناجات را درست پیدا کنیم، بهترین مرجع، دعاها است. دوستان با صحیفه سجادهیه انس پیدا کنید. شما می‌توانید مضامین دقای عرفه سیدالشهداء (سلام...علیه) را به شعر بیآورید... معارف بلند اسلامی و قرآنی را از خود قرآن و از نهج البلاغه و از بعضی از روایات اهل بیت - روایات اصول کافی در بخش‌هایی - اخذ کنید.

با این منابع، انس پیدا کنید... شعر آیینی را باید متکی و مستند کنید به این معارف حقه الهیه...»

امروز رسالت ما به عنوان شاعران آئینی این است که همچون دعبل، کمیت و فرزدق به اف‌های جامع‌تری از حوزه دین و معرفت بنگریم و به تبیین سیره عملی خاندان رسالت بپردازیم. شعر آیینی باید آیینه تمام نمای معارف حقه قرآنی و حقایق انسان‌ساز توحیدی باشد. امروز رسالتی بالاتر از این برای ما شاعران آیینی متصور نیست که با تعمق و تدبر در سیرت و باطن دین، به تبیین سیره عملی خاندان رسالت (علیهم السلام) و آموزه‌های انسان‌ساز قرآنی و وحیانی بپردازیم و ساحت مقدس دین و آیین را از گزند تحریف و لوذه شدن به آفت خرافه و گرافه حفظ کنیم.

زمان آن رسیده است که با بهره‌گیری از میراث ماندگار پیامبر خاتم (ص) - قرآن و عترت - از مدح و منقبت صرف فاصله بگیریم و همچون شاعران صدر اسلام بر مسند پیام رسانی تکیه بنزیم و در این ساحت مقدس به دنبال ترویج حکمت‌های دینی و احیای مکارم اخلاقی باشیم. به عبارت دیگر باید با به تصویر کشیدن سیره عملی بزرگان دین، از زبان شعر برای سوق دادن اقشار مختلف جامعه به «سبک زندگی اسلامی» استفاده کنیم. شعر آئینی ما باید پلی برای عبور از منزل گاه خاک به عالم افلاک باشد.

مکتبی برای انسان‌سازی و جامعه سازی. چرا که از منظر اسلام، شعر فاخر پروتیی از شعور نبوت است و تنها به زبان آوری، صنعتگری، خیال پردازی و ارزش‌های هنری و احساسی محدود نمی‌شود، بلکه راهنمای مخاطبان خود به صراط مستقیم راستی و درستی، بیداری و رستگاری، و توحید و اخلاق اسلامی است.

با کنکاش در زندگی اهل بیت (علیهم السلام) می‌توان سبک زندگی آن بزرگواران را در همه ابعاد زندگی از جمله: سلوک فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و ... به عنوان اسوه و الگو در اختیار جامعه قرار داد و این امر رسالت اصلی شاعران آئینی روز و روزگار ما است - اینچنین باد.



مرحوم «احسان طبری» توبه کنند. و شاید حتی مانند احسان طبری آنچنان متحول شوند؛ که مانند او که برای رزمندگان اسلام در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شعر سرود؛ برای شهدای مدافع حرم و حریم و با شهدای امر به معروف و نهی از منکر شعر هم بگویند.
و خلاصه اینکه اگر روزی بیاید که آقایانی چون ع.، ح.، س.، م. ق. و... از انحرافات عقیدتی و تفکرات التقاطی خود توبه کنند، همه مطمئن باشند که چهره‌های شاخص ولایتمدار و حزب‌اللهی این سرزمین با آنها عکس‌های متعددی خواهند گرفت و گرمای شان خواهند داشت. دعا کنیم توفیق توبه و استغفار به سوی حضرت باریعالی روزی همه ما شود!

اتوشه میرمرعشی

شعر
تقدیم به حضرت زینب(س) و مدافعان حرم‌شان
عشق، یعنی «کلنا عباسک یا زینبا»
 ■ ابراهیم قبله ارباطان
<p>کعبه اسم تو، منا اسم تو، زم زم اسم توست ندبه اسم تو، شفا اسم تو، مرهم اسم توست</p>
<p>عشق، یعنی «کلنا عباسک یا زینبا» پشت جبهه اسم تو، خط مقدم اسم توست</p>
<p>از عراق و شام با دستار خونین می‌گذشت... اسم تو؛ وقتی تمام لشکر غم اسم توست</p>
<p>آسیه، هاجر، رقیه، ساره، حوا اسم توست ای که اسم توست زهرا،ای که مریم اسم توست</p>
<p>اسم تو بیلاق و قشلاق پرستوهای آه سرد و گرم گونه از بارانِ نم نم، اسم توست</p>
<p>پرچم سرخت به دست و چادر سبزه به سر ماه شعبان اسم تو، ماه محرم اسم توست</p>
<p>اسمت‌ای زن پرچم بالا بلندی هاست تا... عصمت زن با شکیباییش، هر دم اسم توست</p>